

درباره سرقت سنگ قبرهای ثبت ملی شده در روستای ویرانی که خبر از نبود نظارت بر آن می‌دهد

مرگ تاریخ در یک گورستان



سیده نعیمه زینبی| قبرستان به خودی خود متبادرکننده غم است حالا حساب کنید وسط یک قبرستان قدیمی قرار بگیرید که ثبت ملی شده و پر است از نشانه‌های به یادگار مانده از زندگی مردمان کهن این سرزمین که از قضا مورد هجوم غارتگران میراث قرار گرفته است.

● درمسیرویرانی

فروردین به نیمه رسیده و بهار صورت شهر را زیبا کرده خاصه در مسیر طریقه و شاندیز که عمریست پاتوق گردشگری مسافران و مجاوران بسیار بوده است، ولی این بار ما نه برای تماشای سیل رنگ‌های بهار که به سیاه پوشی یک داغ می‌رویم، داغ کندن گور بخشی از تاریخ و هویت مشهد که حالا گوشه یک قبرستان افتاده است.

فاصله اش از میدان اصلی شهر مشهد فقط ۲۵ کیلومتر است، ولی تاریخ آن فرسنگ‌ها از امروز فاصله دارد. خلوتی مسیر ما را یک ساعت نکشاند، به مقصد می‌رساند و گورستان ویرانی با یک سردر سبز آهنی میزبان ما می شود. قبرستانی که سواى قبرهایش، بقعه یک عارف نامی

هم میانشان چون ماه می‌درخشد. وارد می‌شویم. در نگاه اول همه چیز طبیعی به نظر می‌رسد، اما کافی است، چندگام میان قبرهاراه‌برویم تانخستین نشانه‌هارابیبینیم. سنگ قبرهای تازه ابتدای قبرستان است و هرچه به سمت تپه‌های جنوب و جنوب غربی پیش می‌رویم، کهنگی‌ها عیان‌تر می‌شود. پیرمردی درظهر ماه مبارک آمده‌تا به‌امواتش سری بزند. از احوال قبرستان که جویامی‌شویم، ناراحت‌است. اوکودکی‌اش را درمیان‌ویرانی به کهنسالی‌رسانده‌است و اکنون می‌بیند که افراد جویای گنج دارند دم‌ار از روزگار قبرهای قدیمی در می‌آورند. می‌گوید: «هر از چند گاهی چند نفر پیدا می‌شوند که قبرهای قدیمی را می‌شکنند یا زیر و رو می‌کنند.»

قبرستانی که چند روز است خبر شکستن و حتی سرقت سنگ قبرهای قدیمی آن که پیشینه برخی از آنان به صدر اسلام باز می‌گردد، میان انواع خبرهای فضای مجازی گم شده است. درباره قبرستان ویرانی حرف می‌زنیم؛ جایی چسبیده به دیار مشهد که

● صدراسلام تا صفویه!

بانوی کهنسالی که به قصد زیارت قبور بین آن‌ها چرخ می‌زند هم ادعا می‌کند که سنگ قبر کنونی روی مزار این عارف، سنگ پیشین و قدیمی آن نیست: «به‌هواى یافتن گنج آن راه‌هم به‌رمی‌خته‌اند. قبلا این‌طور نبود. آن را کندند و به این حال و روز انداختند.» با این همه همین سنگ جدید به هم ریخته‌اما مورد احترام اهالی ویرانی هم گویا از حرص و از سارقان در امان نمانده و دوباره سرقت شده است. همراه عکاس و فیلم‌بردار گروه به گشت خودمان ادامه می‌دهیم. هرچه بیشتر میان قبرها راه می‌رویم حالمان بدتر می‌شود. متوجه می‌شویم که هر آنچه پیش از این شنیده‌ایم از اهالی و مطلعان درست از آب در آمده است. رد کننده کاری روی

سال‌هاست در میان مردم مشهد برای بازار مبلی که دارد، شهره شده اما در واقع اینجا سواى همه جاذبه‌های طبیعی و اقتصادی‌اش، گنجینه ارز شمندى است از تاریخ و هویت مردمان ولایت طریقه توس که روزگاری اینجا می‌زیسته‌اند. احوال قبرستان تعریفی ندارد و

بیشتر سنگ‌های صندوقچه‌ای وجود دارد. بسیاری از آن‌ها چند تکه شده و از تعداد زیادی شان هم فقط یک تکه سنگ باقی مانده است. گودال‌های حفاری پای قبرها مشهود است. سنگی نمانده که بی‌آسیب مانده باشد. گورستان ویرانی در شهر یور سال ۸۵ ثبت ملی شده است. در پرونده ثبتی آن نوشته شده تاریخ: «صدر اسلام تا صفویه! در ماده اول قانون حفظ آثار ملی ایران مصوب سال ۱۳۰۹ خورشیدی هم وظیفه حفاظت و نظارت آن بر عهده دولت گذاشته شده است و حالا از خودمان در میان این ویرانی می‌پرسیم، چه حفاظتی؟ افسوس هم گره از کار اینجا باز نمی‌کند. مادر میان سنگ‌قبرهای سنگ چین مربوط به قرون اولیه و میانی اسلامی و قبرهای



مانیز مانند دیگر هویت دویستان این شهر نگران حال آن هستیم. احساس می‌کنیم آرامستانی که همیشه محل آرامیدن اهل خاک بوده، اکنون خودش در حال احتضار است و نمی‌دانیم با یک گورستان تاریخی که می‌میرد، چه باید کرد؟

صندوقچه‌ای که در قرن نهم تا دوازدهم هجری رواج داشته است، ایستاده‌ایم. در میان بخشی از تاریخ که هیچ حامی و همیاری ندارد.



من از این مکان به میانه سال ۱۳۹۹ باز می‌گردم. می‌توانم بگویم طی این زمان، بسیاری از سنگ‌های صندوقچه‌ای آسیب دیده یا بعضی از آن‌ها نیست‌شده است. صندوقچه‌هایی قبلا داشتیم که الان وجود ندارند و نمی‌دانیم سرقت‌شده یا آن‌را جابه‌جا کرده‌اند.»

بخش از تاریخ رسیده‌ا‌ما مسئولان نسبت به آن کم‌توجه هستند نیز این‌طور اظهار می‌کند: «در میانه بخش تاریخی این قبرستان، دفن جدید انجام می‌شود که متأسفانه یکپارچگی بخش تاریخی را از بین می‌برد. مسئله‌ای که مرانگران کرده تخریب بسیاری از سنگ‌های تاریخی و ایجاد قبور جدید در بخش تاریخی آن است که بعضی از گورهای تاریخی را از بین می‌برد و سبب جابه‌جایی سنگ قبرها شده‌است. مسئله دوم تخریب سنگ قبرها است که بسیاری از سنگ‌های صندوقچه شکسته یا گم شده و اکنون، شاید به تعداد انگشتان یک دست هم سنگ کامل و سالم وجود نداشته باشد.»

● آموزش، حداقل کار ممکن! سلیمان نوری درباره اهمیت روستای ویرانی هم

روایت یک مشهد پژوه از تغییرات قبرستان تاریخی ویرانی

قبرهای صندوق مانند کم شده‌اند

جرقه این گزارش را یکی از فعالان و پژوهشگران حوزه تاریخ زد. او نگرانی خود را از به تاراج رفتن میراث ویرانی در فضای مجازی اعلام کرد و در پی آن این روایت نوشته شد. رضا سلیمان نوری که تا کنون ۸ بار از این قبرستان بازدید کرده، می‌گوید که با گذشت زمان تعداد قبرهای صندوقی آن کمتر از قبل و تعداد سنگ‌های شکسته و آسیب دیده هم بیشتر شده‌است. این مشهد پژوه درباره تاریخچه این قبرستان می‌گوید: «در قبرستان ویرانی از صدر اسلام تا کنون اموات دفن می‌شدند و مادر آن‌ردپای قبوری را مشاهده می‌کنیم که قدمتی به درازای ابتدای ورود اسلام به خراسان تا عهد صفوی دارند و چون روستا در جوار قبرستان بوده، تدفین تاکنون هم در آن ادامه داشته و همین است که قبر با تاریخ تدفین ۱۴۰۰ هم در آن یافت می‌شود.

سلیمان نوری همچنین یکی از دلایل اهمیت این

دکتر رجبعلی لباف خانیکی، باستان‌شناس، از اهمیت تاریخی قبرستان ویرانی می‌گوید

یادگارهایی از صدر اسلام در ایران

برای اینکه به اهمیت گورستان ویرانی پی ببریم و بیشتر درباره اهمیت سنگ قبرهای تاریخی بدانیم به سراغ رجبعلی لباف خانیکی می‌رویم. این باستان‌شناس پیش از بازنشستگی مدیر اداره کل میراث فرهنگی خراسان بود و امضای او پای پرونده ثبتی گورستان ویرانی خورده است.

● چطور یک قبرستان می‌تواند هویت یک محله را نشان بدهد؟

حاصل زندگی هر انسان، آن چیزی است که از او باقی می‌ماند و سنگ قبر یکی از چیزهایی است که در مذهب شیعه پس از مرگ باقی می‌ماند. گاهی این سنگ قبر آراسته می‌شود و اندازه آن متناسب با شان و منزلت افراد ممکن است بزرگ‌تر باشد، کتیبه بیشتری داشته باشد و مدح و ثنای بیشتری بر روی آن نگاشته شود. سنگ قبرها چه به لحاظ شان اجتماعی یا موقعیت مذهبی یا حتی شغل آن فرد و اطلاعاتی که به ما از گذشته می‌دهد، ارزش

تحقیقاتی و پژوهشی دارد.

● درباره سنگ قبرهایی که در گورستان‌های قدیمی مشهد وجود دارد، توضیح می‌دهید؟ گورستان‌های دشت مشهد، ویژگی‌های خودش را دارد. سنگ قبرهای مختلفی را می‌توان در این آرامستان‌ها دید که احتمالا به وسیله مهاجرانی که به این دشت کوچ کردند به اینجا آورده شدند. سنگ قبرها گاهی به شکل لوح، صندوقچه یا ستون سنگ است و گاهی به شکل مجسمه حیوانات ساخته می‌شود که بیشتر در منطقه آذر بایجان و کردستان دیده می‌شود. به طور مثال سنگ‌های لاشه در قبرستان قدیمی گل‌مکان و ایرده‌روی قبرها قرار دارد و گاهی به خط کوفی یا نستعلیق به زیبایی روی آن نوشته شده است. بعضی از سنگ قبرها صندوقچه‌ای هستند. این صندوقچه‌ها نفیس و زیبا هستند و کتیبه‌هایی از آیات قرآن یا اشعار با خط خوش روی آن نوشته شده است. لوح‌ها هم

گفت‌وگو با سرپرست معاونت میراث فرهنگی اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی خراسان رضوی درباره وضعیت قبرستان ویرانی

گزارشی از تخریب و سرقت نداریم!

از شهرستان هم استعلام گرفتیم آن‌ها هم گفتند، چنین اتفاقاتی نیفتاده است.» سرپرست معاونت میراث فرهنگی اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی خراسان رضوی اظهار می‌کند که

بازدید از این گورستان تاریخی توسط یگان حفاظت میراث به طور مداوم انجام می‌شود: «اکنون مسئولان ما با دهیاری و بخشداری هماهنگ هستند و یگان حفاظت ما مدام از آنجا سرکشی

می‌کنند، اوهم‌چنین درباره صحت سرقت سنگ قبرها و چگونگی حفاظت از آن‌ها هم چنین توضیح می‌دهد: «بعید

می‌دانم تعداد سنگ قبرها کمتر شده

باشد و از طرفی ما نمی‌توانیم جلوی دفن را بگیریم. ولی این برنامه را داریم که در خود شاندیز به موزه سنگ ببریم. اگر شورای فنی تصویب کند، تعدادی از سنگ قبرهای تاریخی را به جای دیگری منتقل کرده‌ایم. تا بتوانیم راحت‌تر از آنان حفاظت کنیم، اما اگر تشخیص بدهیم در معرض خطر است، ممکن است برای محافظت از آن‌ها، سنگ‌ها را جابه‌جا و به موزه منتقل کنیم.»

خراسان نامه

تکاهی به قلعه‌ای مترو که که امروز در کنار شهری کوچک است

قلعه طبس مسینا؛ پشت گرمی تاریخ قهستان



هادی دقیق

دیدن هم‌زیستی یا تقابل شهرهای قدیمی که بیشترشان چیزی به‌جز چند دیوار و پلان‌های به‌هم‌ریخته ندارند، در کنار شهرهای به‌نسبت امروزی ایران، حسی عجیب است که وصفش را فقط باید پای همان کا‌هگل و خشت و چینه به چشم دید و به دل شنید. شهر کوچک طبس مسینا در استان خراسان جنوبی نیز یادگاری کوچک در کنار خودش دارد که پشت تاریخ شهر و حتی منطقه قهستان را گرم کرده است، اما از این همه تاریخ که می‌گوییم، امروز مواد تاریخی کمی مانده است و همان هم روزبه‌روز درحال آب‌شدن است. برای رسیدن به طبس مسینا، بعد از خروج از بیرجند به‌سمت قاین و مشهد، پس از دستگرد، در مسیر تقاطعی دوسطحی، سمت راست جاده را باید تا نزدیکی‌های مرز ایران و افغانستان پیمود. در این مسیر روستاهای زیادی هستند که نصفشان به امید آبادی در این بیابان، پسوند «آباد» دارند. سرانجام وقتی مسیر حسابی کش آمد و جاده کفی و خشک، دیگر خسته‌کننده شد، به شهر طبس مسینا می‌رسیم؛ شهری کوچک که فقط باید در آن دنبال خیابان قلعه بگردیم تا درست ما را ا ببرد کنار یکی از قلعه‌های تاریخی اسماعیلیان در قهستان.

● چرا قلعه طبس مسینا مهم است؟

آغاز تکاپوی اسماعیلیان نزاری در ایران، با تسخیر قلعه‌هایی همراه بود که بعدها در رویارویی با سلجوقیان جزو مراکز دفاعی نفوذناپذیر به حساب می‌آمدند. بیشتر این قلعه‌ها امروز در قهستان، بخش جنوبی خراسان بزرگ و خراسان جنوبی امروزی قرار دارند. قرارگرفتن قهستان در مسیر راهبردی و کلیدی تجاری شرق ایران، فقط یکی از دلایل اهمیت این منطقه بود. این ویژگی، از یک‌سو نیاز مردم ساکن در قلعه‌های بی‌شمار آن را تأمین می‌کرد و از دیگر سو، اسماعیلیان می‌توانستند با ناامن کردن جاده‌ها و مصادره مال کاروانیان و... به رقبایشان ضربه بزنند. دراین‌بین، یکی از قلعه‌های مستحکم آنان طبس مسینا بود. برخلاف بیشتر قلعه‌های این منطقه که در ارتفاعات ساخته می‌شدند، این قلعه در دامنه‌های ارتفاعاتی است که دست‌کم منطقه را از شرق نفوذناپذیر و دسترسی به آن را غیرممکن می‌کند. قلعه طبس مسینا دایره‌ای‌شکل است و هنوز باروهای آن هرچند نیم‌قد، ایستاده‌اند و تقریباً می‌شود گفت بلندترین دیوارهای قلعه هستند. در کنار یکی از این باروها نیز آب‌انبار تاریخی قلعه قرار دارد. دورتادور قلعه را نیز خندقی فراگرفته است و در قسمت ورودی، برچی بزرگ دارد که اکنون یازده متر ارتفاع و بیش از پانزده متر قطر دارد. با وجود آسیب‌هایی که به این قلعه وارد شده، هنوز پانزده برج از مجموع برج‌های آن به چشم می‌آید. باتوجه‌به پلان دایره‌ای قلعه، احتمال می‌رود این اثر متعلق به قبل از اسلام باشد که در دوره اسلامی نیز از آن استفاده شده است. طبس مسینا شهری است بسیار کهن که در بیشتر متون جغرافیایی سده‌های نخست اسلامی، نامش آمده است. مصالح به‌کاررفته در بنای قلعه طبس هم خشت و گل است. قلعه طبس مسینا در فروردین ۱۳۸۲ در فهرست آثار ملی ثبت شده است.

● حکایت تاریخی قلعه طبس مسینا

در زمان بریکاری، چهارمین حاکم سلجوقی، قهستان مرکز آشوب بود. او ابتدا از این بلوا چشم می‌پوشید، اما وقتی اسماعیلیان به جانش سوء‌قصد کردند و او جان سالم به در برد، با بردارش، سنجر، هم‌پیمان شد به قهستان حمله کنند. در نتیجه سال ۴۹۴قمری سنجر سیاهی به قهستان فرستاد که پس از قلع‌وقمع و کشت و کشتار و خرابی بسیار، دستاوردش فقط محاصره قلعه طبس بود و بیش از آن، با درایت نزاریان ساکن قلعه، راه به جایی نبرد. حتی در صفحه‌های تاریخ نوشته شده است که سه سال پس از این واقعه نیز همان سردار سلجوقی دوباره به قلعه طبس یورش برده، اما بازهم موفق نشده است آن را فتح کند. بعد از این درگیری‌ها و تهدیدهای حسن صباح علیه سلجوقیان بود که پیمان صلحی بین اسماعیلیان و سلجوقیان بسته شد که یکی از مواد آن، بنانکردن قلعه جدید در قهستان بود. تقریباً همه منابعی که از این صلح‌نامه یاد کرده‌اند، احداث نکردن قلعه جدید را مهم‌ترین و نخستین شرط صلح برشمرده‌اند، در نتیجه، بقیه این جدال‌ها که جنبه آیینی به خود می‌گیرد، جنگ زرگری به‌نظر می‌رسد. دراین میان، قلعه طبس هرچند نسبت به دیگر قلعه‌های اسماعیلیان در منطقه، موقعیت دفاعی بی‌نظیری نداشت، از نظر نزدیکی به شاهراه تجاری و کاروان‌رو سیستان، کرمان و شرق ایران، جایگاهی به‌مراتب بهتر داشت؛ مسیری که علاوه بر اهمیت تجاری آن، سفر ماجراجویی مارکوپولو ونیزی نیز از آن می‌گذشته است. سلطان جلال الدین خوارزمشاه هم پس از بازگشت از هند، از همین مسیر گذشته و به‌علت بیابانی‌بودن آن، سختی‌های زیادی کشیده است.

در حقیقت، دوبار حمله سلجوقیان به این قلعه و حتی گزارشی که حاکم سلجوقی از این حملات به دربار عثمانی می‌فرستاد، خود گواهی است بر اهمیت قلعه طبس مسینا. قلعه‌ای که امروز پاره‌هایی از آن باقی مانده است وقدم‌زدن در دل ویرانه‌هایش، پس از حس لذت دیدن بناهای خشت و گلی، رعب و وحشتی از این تاریخ پرفرازونشیب به‌همراه دارد که روزگاری اسماعیلیان منطقه با‌چنگ و‌دندان برای نگهداشتنتش می‌کوشیدند. به‌شکلی که حتی پس از آن پیمان صلح نیز دستور اسماعیلیان در گسترش نفوذشان بازتر شد و در روز روشن به‌صراحت از کاروانیان باج و خراج می‌گرفتند.



نکته: در بخشی از این گزارش، از پژوهشی مفصل و پرمنیع استفاده شده‌با عنوان؛ تأثیر جغرافیای اقتصادی قهستان در مناسبات نزاریان و سلجوقیان، که در شماره بهار و تابستان ۱۳۹۳ و «پژوهش‌نامه تاریخ اجتماعی و اقتصادی، چاپ شده است.

شنبه

۱۹ فروردین ۱۴۰۲
۱۷ رمضان ۱۴۴۴
شماره ۳۹۱۳

۱۵



تاریخ و هویت



برای مشاهده وضعیت گورستان تاریخی ویرانی کد را اسکن کنید